

تحریم‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی

سید نظام‌الدین مکیان^۱

پروانه زنگی‌آبادی^۲

چکیده

تحریم‌های اقتصادی همواره به‌عنوان یک مانع برسر راه کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه وجود داشته است. کشور ایران نیز تاکنون با تحریم‌های غیرانسانی زیادی به خاطر اختلاف نظر با نظام سلطه، مسئله اتمی و حقوق بشری مواجه بوده است. این تحریم‌ها تا حدود زیادی بر بدنه اقتصادی کشور ضربه زده و نارضایتی را در پی داشته است. با توجه به این مشکلات در حال حاضر کشور باید این تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده و راه توسعه را هموارتر سازد. در این پژوهش برای دستیابی به این مهم به ذکر الگوهای تحریم پرداخته و سپس الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی مانند علمی کردن اقتصاد، مدیریت بحران‌ها، استفاده از ظرفیت مردمی، کوچک‌سازی دولت و توانمندی‌سازی بخش خصوصی، توجه به تولید پایدار با توجه به جنبه‌های زیست محیطی و شناسایی کانون‌های آسیب‌پذیر در اقتصاد که یک ضرورت جدی است، مورد واکاوی قرار گرفته تا مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی کشور قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: اهداف تحریم، مدل‌های تحریم، الزامات اقتصاد مقاومتی

طبقه بندی F52، F51:JEL

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه یزد Email: nmakiyan@yazd.ac.ir

۲. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه یزد Email: p.zangiabadi@gmail.com

مقدمه

اعمال تحریم‌های اقتصادی، اغلب با عنوان ابزاری جهت پیشبرد اهداف حقوق‌بشری توجیه شده است. اما مطالعه آثار ناشی از اعمال تحریم بر کشورهای هدف، نشانگر این واقعیت است که تحریم‌های اقتصادی نه تنها به بهبود مسئله کمک نکرده‌اند، بلکه آن را وخیم‌تر نیز نموده‌اند. یکی از اهرم‌های اصلی تحریم‌های اقتصادی، محدودیت دسترسی به منابع اقتصادی است که مهم‌ترین آن‌ها تجارت برون‌مرزی می‌باشد. لذا، دولت هدف از یک شریان اصلی که نیازهای مادی جامعه از طریق آن برآورده می‌شود را از دست می‌دهد و نبود ثروت موجب می‌شود تا منابع لازم برای پیشبرد اهداف کشور موجود نباشد. تحریم به‌عنوان ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها سابقه طولانی و تقریباً نامشخص دارد. به‌عبارت‌دیگر، اگرچه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهانی معاصر مربوط است اما استفاده از این شیوه در تاریخ سابقه طولانی دارد. اما، با ایجاد جامعه ملل و متعاقب آن سازمان ملل، تحریم اقتصادی اهمیتی تازه در ماهیت و اجرا به‌دست آورد.

با ظهور انقلاب اسلامی، حکومت جدیدی در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت را نداشت و به مبارزه با آن پرداخت. ظهور چنین حکومتی در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار است، موجب شد که نظام استکبار جهانی به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی متجاوزین در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه‌ها که به‌ویژه در سال‌های اخیر با تهاجمات همراه بوده، عرصه اقتصادی است (بالاسا، ۱۹۹۰).^۱ بنابراین، انقلاب اسلامی ایران مکلف به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است. هرکشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی^۲ است (علیخانی، ۱۳۸۰).

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد سلطه قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و

1. Balasa, 1990
2. Resistive Economy

بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف خود را دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، می‌بایست به سمت محدود کردن اتکای اقتصاد کشور به منابعی که وابستگی ایجاد می‌کند حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی نظام سلطه است که اقتصاد مقاومتی معنا می‌یابد. از این رو ضروری است مفهوم اقتصاد مقاومتی و ضرورت مطالعه و نیز راهکارهای تحقق آن در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری تحریم

در چشم‌انداز کلی، تحریم شامل هر عمل منفی یا پاسخ به عمل یا کنش در چارچوب اهداف تحریم است. بنین و گیلپین^۱، تحریم را دست‌کاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که به منظور ناگزیر کردن جامعه هدف به تغییر سیاست یا حکومت خود، آن را تهدید به تنبیه اقتصادی می‌کند (زهرائی، ۱۳۷۶). تحریم عبارت است از: اقدامات اجباری علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌ها یا دست‌کم نمایش ایده‌های یک کشور در قبال سیاست‌های دیگر کشورها (کارتر، ۱۹۸۸)^۲. همچنین تحریم را می‌توان عمل تنبیهی به‌وسیله کشوری علیه کشور دیگر، برای تلافی رفتار قبلی غیرقابل پذیرش تعریف کرد. برخی نیز تحریم اقتصادی را جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک می‌دانند. این برداشت بیشتر به قرن‌های پیشین مربوط بوده است. داکسی^۳، تحریم‌های بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌کند: تنبیهاتی که در قالب تبعات اعلام‌شده در ناکامی هدف به خاطر عدم تبعیت از استانداردها یا الزامات بین‌المللی، تهدید به اجرا و یا اعمال شده‌اند (داکسی، ۱۹۹۶) هافبائر و اسکات^۴ با محدود کردن تعریف به ابعاد عملیاتی، معتقدند تحریم اقتصادی عبارت است از: حذف آگاهانه و با خواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول (هافبائر و اسکات، ۱۹۹۹). مزیت چنین تعریفی آن است که خود را به حقایق مشهود و نه تفسیر انگیزه‌ها محدود می‌کند. در اوضاع کنونی، استراتژی برای برپا کردن جنگ اقتصادی در جریان خصومت‌های جاری عصر نوین دارای اهدافی بسیار گسترده‌تر از مفهوم سنتی است. مخصوصاً بعد از دهه ۱۹۹۰ الگوی تحریم

-
1. Benin & Gilpin
 2. Carter
 3. Daxi
 4. Hufbauer & Schott

دچار تغییر شده است؛ به طوری که از تحریم اقتصادی به عنوان سیاست برتر یا جایگزین ابزار نظامی با هزینه کمتر یاد می‌شود.

در دهه‌های اخیر استفاده از تحریم‌های اقتصادی افزایش یافته است و از این شیوه به عنوان ابزار سیاست خارجی انتخابی برای برخی از کشورها استفاده می‌شود. از لحاظ نظری روش کار تحریم ساده است به طوری که کشور تحریم‌شونده (هدف) هزینه‌هایی را بابت اعمال برخی محدودیت‌های کشور تحریم‌کننده متحمل می‌شود. لذا کشورهای هدف به دلیل اجتناب از چنین هزینه‌هایی، رابطه مطلوب و مستقیم خود را با کشورهای تحریم‌کننده تغییر می‌دهند. البته این نظریه در عمل به ندرت محقق می‌شود. شواهد تجربی معدودی وجود دارد که در صورت تحریم، کشورهای هدف به طور معناداری رفتار خود را تغییر داده باشند. در این باره کارشناسان معتقدند که عمدتاً تحریم‌ها شامل یک پیام برای جامعه جهانی است و منجر به انحراف برخی رفتارها می‌شود (پترسکو، ۲۰۰۸).^۱ تحریم به عنوان ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها سابقه طولانی و تقریباً نامشخص دارد. به عبارت دیگر، اگرچه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهانی معاصر مربوط است اما استفاده از این شیوه در تاریخ سابقه طولانی دارد. با ایجاد جامعه ملل و متعاقب آن سازمان ملل، تحریم اقتصادی اهمیتی تازه در ماهیت و اجرا به دست آورد. بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ بعضی اشکال تحریم بر دیگر ملل شصت‌بار و با نرخ میانگین سالانه بیشتر از یک مورد تحریم جدید اعمال شده است. بیش از سه‌چهارم این موارد تحریم‌ها به وسیله آمریکا شروع و تداوم یافته و از میان این دسته، بیش از سه‌چهارم موارد صرفاً توسط آمریکا و بدون شرکت دیگر کشورها اعمال شده است (لاپز، ۱۹۹۵).^۲ در سال‌های اخیر آمریکا به منظور دستیابی به اهدافی خاص در سیاست خارجی، به طور فزاینده‌ای از سیاست تحریم اقتصادی استفاده کرده است. آمریکا تحریم‌های اقتصادی را به طور یک‌جانبه یا از طریق نفوذ در شورای امنیت سازمان ملل بر کشورهایی که به دول سرکش^۳ معروف‌اند، برای دست نیافتن آنان به استقلال از نظام مسلط بین‌المللی، سلاح‌های اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی تحمیل می‌کند،

1. Petrescu

2. Lopez

3. RogueStates

زیرا در صورت دستیابی آن‌ها به این‌گونه سلاح‌ها منافع آمریکا در بخش‌های مختلف جهان به خطر می‌افتاد (هانتینگتن، ۱۹۹۹).^۱

با آنکه جمهوری اسلامی ایران سال‌ها هدف تحریم‌های اقتصادی بوده، با این حال تاکنون اغلب مباحثی که در زمینه تحریم اقتصادی انجام شده، توصیفی و یا به صورت تحلیل خبری بوده است. درحالی‌که تحریم‌های اقتصادی مسئله تازه‌ای نیست و حداقل از جنگ جهانی اول به بعد، تحریم اقتصادی ابزاری قوی در سیاست خارجی کشورها مطرح شده است. سازوکار عملی تحریم‌های اقتصادی و عوامل دخیل در موفقیت یا شکست آن به‌حدی متنوع است که کشورهای تحریک‌کننده نمی‌توانند پیش‌بینی درستی داشته باشند. به‌همین دلیل توجه به اخبار روزمره و اظهارنظرهای سیاست‌مداران و دولت‌مردان کشورهای تحریم‌کننده یا تحریم‌شونده نیز در موارد زیاد گمراه‌کننده است. از این‌رو دقت و مطالعه بحث‌های نظری که براساس تجارب گذشته به‌دست آمده است، می‌تواند مفید و مؤثر باشد (زهرائی، ۱۳۷۶).

پایه نظری ابزار اقتصادی تحریم در سیاست خارجی محکم است. بحث تحریم دارای دو فرض اساسی است: اول قطع رابطه تجاری و تحریم اقتصادی کشور تحت تحریم از بعضی منافع که از تجارت عاید آن کشور می‌کند، محروم می‌نماید و در نتیجه از رفاه آن می‌کاهد. دوم، استفاده نکردن از سود تجاری، بر کشور تحریم‌شونده تأثیر می‌گذارد و این را می‌توان یکی از پایه‌های اصول اقتصادی تحریم محسوب کرد. تصور این است که قطع رابطه تجاری موجب تغییر رفتار می‌شود. کوپر^۲ می‌گوید، نظریه تحریم اقتصادی اگرچه دارای سابقه طولانی است، ولی سؤال درباره موفقیت آن به دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد. با شناسایی ابهامات موجود در زمینه تحریم اقتصادی، مطالعات موجود یافته‌هایی تجربی در مورد تحریم‌های اقتصادی پیشنهاد می‌کنند که به‌هنگام مقایسه با دیگر انتخاب‌های سیاسی، مانند مداخله نظامی احتمال موفقیت بیشتر تحریم را آشکار می‌کند. تحریم‌هایی که در ابتدا با تحدیدات مالی همراه است، مانند انسداد دارایی‌ها و وام‌های موجود در بانک‌های خارجی، درجه موفقیت سیاسی بالاتری نسبت به تحریم‌هایی دارند که به‌طور گسترده بر تجارت تحمیل می‌شوند.

1. Huntington
2. Cooper

- به لحاظ تاریخی، زمانی تحریم‌ها به هدف اقتصادی‌شان دست می‌یابند که:
۱. هزینه‌های تحریم بر اقتصاد کشور هدف بیش از دو درصد رشد تولید ناخالص ملی آن را کاهش دهد.
 ۲. کشور هدف، تمرکز تجاری بالایی با اعمال‌کنندگان تحریم داشته باشد (بیشتر از ۲۵ درصد از کل تجارت کشور هدف).
 ۳. تحریم‌ها سریع، با بالاترین شدت و با همکاری کامل آن دسته از شرکای تجاری که ممکن است در چنین سازوکاری خلل وارد کنند، عمل شود.
 ۴. هزینه تداوم تحریم‌ها بر کشور تحمیل‌کننده پایین باشد (لاپز و کارت‌وایت، ۱۹۹۷).

اهداف تحریم

یکی از اهداف تحریم‌های اقتصادی تغییر رفتار کشور مورد تحریم به دلایل مربوط به روابط خارجی می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی معمولاً به‌عنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی به کار می‌روند. این‌گونه استدلال می‌شود که هدف جنگ اقتصادی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن خسارت وارد شود (فلدان، ۱۳۷۹)^۲. به نظر داکسی، تحریم‌های اقتصادی اقدامات منفی محسوب می‌گردند که درصدد تأثیرگذاری بر رفتار کشور از طریق دید و در صورت ضرورت، تحمیل مجازات به‌منظور عدم رعایت قانون نظام سلطه می‌باشد. از اهداف دیگر تحریم‌های اقتصادی می‌توان به هدف بی‌ثباتی کشور از طریق فشارهای اقتصادی اشاره کرد. بررسی سوابق تحریم‌ها مبین این نکته است که در اکثر موارد، تحریم‌های اقتصادی تأثیر اقتصادی قابل‌ملاحظه‌ای برجا گذاشته‌اند، اما موفقیت سیاسی آن‌ها چندان قابل‌توجه نبوده است. در خصوص ایران به‌طور کلی می‌توانسه دلیل عمده در تحمیل تحریم‌ها ذکر کرد:

۱. وادار کردن ایران به کنار گذاشتن سیاست‌های ناخوشایند در برابر آمریکا
۲. مجازات ایران برای اتخاذ سیاست‌های قابل قبول
۳. ابراز مراتب مخالفت با ایران به‌منظور جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل

1. Lapz & Kartvayt
2. Fldan

(علیخانی، ۱۳۸۰).

تحریم‌ها معمولاً به دوشکل دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی توسط دولت‌ها علیه کشورهای رقیب یا دشمن اعمال می‌شود تا از طریق آن دولت یا دولت‌های تحریم‌کننده به اهداف سیاسی خود دستیابند. در واقع هدف از اعمال تحریم‌ها به‌ویژه تحریم‌های چندجانبه در عرصه بین‌المللی این است که با انزوای داخلی و بین‌المللی کشور، دولت، افراد یا گروه هدف، زمینه تغییر رفتار نامناسب آن‌ها فراهم آید. در حوزه داخلی، تحریم‌ها به جهت اعمال فشار براقشار مختلف جامعه و تحریک آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تغییر رفتار دولت مربوطه شود. در حوزه بین‌المللی نیز وضع تحریم‌ها می‌تواند انزوای سیاسی و اقتصادی دولت، افراد و گروه هدف را در پی داشته و مشروعیت بین‌المللی آن‌ها را زیر سؤال برده و با چالش مواجه سازد. در حال حاضر، با توجه به مشکلات و چالش‌های پیشروی تحریم‌ها از دیرباز همچون نقض مکرر و گسترده تحریم‌ها از سوی برخی کشورها با هدف تأمین اهداف استراتژیک؛ اعمال فشار مکرر براقشار مختلف و آسیب‌پذیر کشور هدف و گرایش هرچه بیشتر شورای امنیت سازمان ملل به وضع تحریم‌های بیشتر علیه کشورها موجب شده تا شورای امنیت بازنگری‌هایی را در این ابزار بین‌المللی اعمال نماید. تحریم‌های هوشمند و هدفمند نتیجه بازنگری شورای امنیت در موضوع تحریم‌ها است (ظریف و سجادپور، ۱۳۸۷). با این حال تحریم‌های اقتصادی ابزاری برای مجازات، تنبیه و ترغیب کشورها و افراد به تمکین در انجام رفتاری خاص است. بنابراین اهداف مختلفی را می‌توان از اجرای تحریم در نظر گرفت. به‌طور کلی کشورهای تحریم‌کننده با تحریم‌های اقتصادی کشورهای هدف، اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

- ۱- **بازدارندگی**^۱: تهدید به تحریم‌های بیشتر به‌منظور جلوگیری از نقض تحریم.
- ۲- **پیروی**^۲: تغییر برخی از جنبه‌های سیاست داخلی و خارجی کشور هدف.
- ۳- **تنبیه**^۳: هنگامی که برای به وجود آوردن تغییر بسیار دیر است یا این امر بسیار مشکل به نظر می‌رسد، تنها هدف اعمال تحریم می‌تواند تغییر رفتار نادرست باشد.

1. Compliance
2. Deterrence
3. Punishment

- ۴- **محدود کردن اختلاف**^۱: تحریم‌های تسلیحاتی نمونه‌ای از تحریم‌هایی است که به دنبال این هدف اعمال می‌شوند.
- ۵- **یکپارچگی**^۲: هدف برخیز تحریم‌گران، تقلید از کشورهای دوست است تا بتوانند از طریق آن حمایت خود را از این کشورها نشان دهند.
- ۶- **نمادگری**^۳: مقصود از این هدف، ارائه شواهدی دال بر نارضایتی فرستنده به مخاطبان و همچنین طرف دریافت‌کننده است، اما هیچ‌گونه خسارت مالی جدی به همراه ندارد.
- ۷- **سیگنال‌دادن**^۴: این نوع هدف به دنبال نشان دادن تصمیم قطعی بر ایجاد خسارت مادی به وجود می‌آید.
- ۸- **ممانعت**: در اینجا هدف تحت فشار قرار می‌گیرد تا عمل خاصی را به‌منظور تغییر وضعیت موجود انجام دهد.
- ۹- **بی‌ثباتی**^۵: این هدف معمولاً با تحریم‌های یک‌جانبه و در برخی موارد تحریم‌های چندجانبه به دست می‌آید (لاپز و کارت‌وایت، ۱۹۹۷).

مدل‌های تحریم

تحریم، بنابر یکی از تعاریف مرجع عبارت است از "مجموعه اقدامات یک یا چند دولت که با هدف وادار کردن دولت دیگر به رعایت موافقت‌نامه‌ها و هنجارهای بین‌المللی صورت می‌گیرد" است (دیکشنری مک‌میلان، ۲۰۱۳).^۶ این اقدامات می‌تواند از سوی هریک از دولت‌های تحریم‌کننده صورت گیرد و به‌شکل تحریم‌های یک‌جانبه تحقق یابد یا به‌وسیله چند دولت و یا در قالب مصوبات و قطعنامه‌های نهادهای بین‌المللی اعمال شده و شکل چندجانبه به خود بگیرد (بالدوین، ۱۹۹۹).^۷

-
1. Limitation of Conflict
 2. Solidarity
 3. Symbolism
 4. Signaling
 5. Destabilization
 6. Macmillan Dictionary
 7. Baldwin

یکی از مهم‌ترین رویکردهای نظری به پدیده تحریم، آن را در قالب نظریه‌های نفوذ، مورد بررسی قرار می‌دهد. در یک برداشت کلی، نظریه‌های نفوذ در مورد بازیگران، مکانیسم‌های تأثیرگذاری، شرایطی که چشم‌انداز موفقیت ابزارهای تأثیرگذاری را افزایش می‌دهد و حوزه‌های اصلی که نفوذ باید بر آن‌ها اعمال شود، مفروضات متفاوتی دارند (درولاکووا، ۲۰۱۰).^۱ از همین رو، مدل‌های مفهومی متفاوتی در مورد تحریم شکل گرفته است؛ مدل‌هایی که هر یک از زاویه‌های خاص و با برجسته کردن برخی حوزه‌ها به تحلیل این پدیده و نیز پیش‌بینی آثار محتمل آن بر دولت تحت تحریم می‌پردازند. سه شیوه نفوذ و به‌بیان‌دیگر سه مدل عمومی تحریم را می‌توان به طریق زیر ارائه نمود:

۱- مدل انقلابی^۲ که در قالب آن تحریم‌ها، نظام سیاسی را به حدی تضعیف می‌کند که راه برای فروپاشی آن هموار می‌گردد.

۲- مدل اشکلک^۳. اشکلک بر مبنای تعریف لغت‌نامه دهخدا، آلتی است از چوپ که لای پنجه دزدان گذارند و فشار دهند. البته کاربرد این ابزار منحصر به دزدان نبوده و این نوع شکنجه برای مخالفین کلیسا در قرون وسطی در اروپا بسیار معمول بوده و نام این مدل از همین روش گرفته شده است. در قالب این مدل، هزینه‌هایی که از سوی تحریم‌کنندگان بر کشور تحت تحریم بار می‌شود، به حدی است که آن کشور بر مبنای منطق هزینه - فایده، وادار به تغییر رویکردها و سیاست‌های خود می‌گردد.

۳- مدل تکاملی^۴ که طبیعتاً اثرگذاری آن، فرایندی است. در این مدل، ترکیبی از چماق و هویج برای اثرگذاری بر رفتار دولت تحت تحریم به کار گرفته می‌شود تا به تدریج تغییرات موردنظر در رفتار آن حاصل شود (کرافورد، ۱۹۹۹).^۵ افزون بر رویکرد فوق، تحریم‌های بین‌المللی از رویکرد نظری دیگری نیز مورد تبیین قرار گرفته‌اند. کرافورد و کلاتز^۶ در کتاب "تحریم‌ها چگونه عمل می‌کنند، تجربه آفریقای جنوبی" با بررسی رویکردهای نظری مختلف به تحریم‌های بین‌المللی، این نظریات را در

1. Druláková
2. Revolutionary Model
3. Thumbscrew Model
4. Evolutionary Model
5. Crawford
6. Crawford & Kelatz

مدل وادار کردن^۱

این مدل در نظریات خردگرایی روابط بین‌الملل و به‌ویژه نظریات واقع‌گرایانه قرار می‌گیرد و از همین رو تأکید را بر نخبگان می‌گذارند؛ به‌عنوان کسانی که از سوی یک ملت تصمیم می‌گیرند، خودم‌محورند^۲ و تصمیمات را در جهت حداکثر سازی دستاوردها اتخاذ می‌کنند. در قالب این مدل، چنین گروه تصمیم‌گیری اگر احساس کنند هزینه‌های تحریم‌ها در حال پیشی گرفتن از فواید سیاست‌هایی است که پیگیری می‌کنند، آن سیاست‌ها را تغییر خواهند داد؛ البته برآورد نخبگان از هزینه‌ها و تهدیدات ناشی از تحریم‌ها به عواملی همچون سیاست‌های بوروکراتیک، روان‌شناسی تصمیم‌گیران کلیدی و تعبیرها و سوءتعبیرهای آنان از نیات و اعتبار تحریم‌کنندگان بستگی دارد. به‌بیان دیگر، در چارچوب این مدل برای اینکه تحریم‌ها مؤثر واقع گردد، تحریم‌کنندگان باید قابلیت وارد آوردن آسیب به دولت هدف را داشته باشند، دولت هدف این تهدیدات را درک کند، بپذیرد و تصمیم‌گیران دولت هدف در دوران تحریم، آسیب‌های وارده را به عینه تجربه کنند. در چنین وضعیتی اگر دولت هدف در منابع نظامی و اقتصادی از خودکفایی برخوردار بوده و بالنسبه ضربه ناپذیر باشد، تحریم‌ها کارایی و اثرگذاری نخواهند داشت و به‌عکس (کرافورد، ۱۹۹۹).

مدل ارتباطات هنجاری^۳

این مدل ریشه در نظریات تکوین‌گرایانه روابط بین‌الملل دارد و مبتنی بر این فرض کلیدی است که نخبگان و مردم عادی، استدلال‌های هنجاری تحریم‌کنندگان را درک می‌کنند و می‌پذیرند. در واقع در این مدل، تحریم‌کنندگان، دولت هدف را به دلیل نقض و زیرپا گذاشتن استانداردهای جهانی و قوانین چندجانبه، تحریم و تنبیه می‌کنند. هدف غایی تحریم‌کنندگان در این چارچوب، تأثیرگذاری بر جهان‌بینی نخبگان حاکم و مردم عادی

1. Compliance Model
2. Self-interest
3. Normative Communications Model

تبیین مفاهیم مقاومت، تاب‌آوری و... ۵۱

دولت هدف است. طبیعتاً شرط موفقیت تحریم‌ها، آن است که تصمیم‌گیران استدلال‌های هنجاری را درک کنند و نیز به‌واسطه این استدلال‌ها، اقناع شوند.

مدل جلوگیری از دسترسی به منابع^۱

مفروض کلیدی این روش آن است که نخبگان و مردم کشور هدف تحریم، به استراتژی‌های وادار کردن و ارتباطات هنجاری پاسخ نمی‌دهند و تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. در این مدل، فرض بر این است که این دسته از دولت‌ها تنها هنگامی که با کمبود منابع مواجه شوند، سیاست‌های نادرست (از منظر تحریم‌کنندگان) خود را تغییر خواهند داد. بنابراین، تحریم‌ها در صورتی مؤثر واقع خواهند شد که منجر به کاهش یا قطع منابع لازم برای تداوم سیاست‌ها و اقدامات دولت هدف گردند. به بیان دیگر، دولت‌های تحریم‌کننده باید ابزارهای لازم برای ممانعت از دسترسی دولت هدف به منابع لازم برای پیشبرد اهداف و سیاست‌هایش را داشته باشند. از دیگر سو، اگر دولت تحت تحریم، از خودکفایی برخوردار بوده و یا گروه تحریم‌کنندگان از انسجام پایدار برخوردار نباشند، احتمال موفقیت تحریم‌ها اندک خواهد بود.

مدل فروپاشی سیاسی^۲

این مدل تأکید را بر ممانعت از دسترسی منابع مورد نیاز دولت تحت تحریم قرار می‌دهد، اما بر هدف قرار دادن منابع و ظرفیت‌های کلان سیاسی و اجتماعی دولت هدف - مشروعیّت و جامعه مدنی - بیش از منابع مادی تأکید دارد. این مدل، دولت را نه به‌عنوان بازیگر واحد، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از بازیگران و نهاده‌ها در نظر می‌گیرد و استدلال می‌کند که برهم زدن موازنه کلان قدرت سیاسی در درون دولت، هدف از تغییر نگرش گروه اندک نخبگان حاکم، اهمیت بسیار بیشتری دارد. در قالب این مدل، تحریم‌ها می‌توانند شرایط را برای شورش یا انقلاب علیه نخبگان حاکم فراهم آورند، زیرا اقتدار و توانایی دولت هدف تا حد زیادی وابسته به تداوم حمایت‌های مردمی از آن است. تحریم‌ها با ایجاد دشواری‌های روزافزون در زندگی روزمره مردم، باعث شکل‌گیری و تعمیق

1. Resource Denial
2. Political Fracture Model

تدریجی بحران مشروعیت در حکومت تحت تحریم خواهند شد؛ بحرانی که می‌تواند به آشفته‌گی سیاسی و حتی انقلاب منجر گردد. در این مدل، احتمالاً دولتی که پس از انقلاب بر سرکار می‌آید، تمایل بیشتری به تغییر سیاست‌ها برای رهایی از فشار تحریم‌ها خواهند داشت. البته برخی این رویکرد را به ساده‌اندیشی در مورد اثرات تحریم‌ها متهم می‌کنند و معتقدند تحریم‌ها ممکن است تنها در کشورهای که به شدت ضعیف، وابسته و آسیب‌پذیر باشند، به انقلاب منجر شوند، و نه در قبال سایر دولت‌ها (کرافورد، ۱۹۹۹).

در مقابل تحریم‌ها، کشورها مبادرت به ریاضت اقتصادی و یا مقاومت در اقتصادشان می‌نمایند. لذا، با توجه به اهمیت موضوع و فشار تحریم‌ها علیه ایران در ادامه برخی از الزامات اقتصاد مقاومتی که تلاشی است برای مقابله با اثرگذاری تحریم‌ها و از ویژگی استقلال بهره‌مند است و گویای این واقعیت است که آسیب‌پذیری اقتصاد را در مقابل تحریم‌ها به حداقل برساند، بیان می‌گردد:

۵ تعاریف و مفاهیم اقتصاد مقاومتی

در ادبیات علمی، مفهوم اقتصاد مقاومتی تاکنون به کار گرفته نشده است، اما می‌توان آن را از فرمایشات مقام معظم رهبری و دیدگاه کارشناسان اقتصادی استخراج کرد. «اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند». اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت؛ که نتیجه اقتصاد مقاومتی است و سبب کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. به عبارتی دیگر اقتصاد مقاومتی به مفهوم شکوفایی اقتصادی و رفع مشکلات موجود در زیربخش‌های اقتصادی به‌منظور جلوگیری از امتیازدهی و بهبود سطح رفاه عموم مردم است.

اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر - به‌خصوص کشورهای متخاصم - در شرایط بحرانی می‌پردازد؛ به‌گونه‌ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آن‌ها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکا به‌داخل، به تولید انبوه کالای مورد نظر بپردازد. در تفکر

اسلامی هر تلاشی برای ایجاد توازن در معیشت امری اقتصادی محسوب می‌شود. این توازن، قلمروهای مختلفی دارد. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که مبادله در آن وجود دارد و در این مبادله هزینه، منافع و درآمد وجود دارد (پیت و الاین، ۲۰۰۹).^۱ از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت. اقتصاد از این حیث، نوعی بی‌نیازی است؛ یعنی می‌بایست به کمک توازن‌ها نیازها را رفع کنیم.

نخستین مفهوم قابل استنباط از اقتصاد مقاومتی این است که ما در جهانی زندگی کنیم که دشمن در عرصه‌های مختلف حضور دارد؛ یکی از این عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصصی قرار داریم که می‌بایست جهت نیل به اهداف این فضا را مدیریت کنیم. از این رو وقتی می‌گوییم اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه ما می‌خواهیم از هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و باید هر الزامی را که این مقاومت و دفاع نیاز دارد، وارد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های اقتصادی خود کنیم. با این تعریف اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت، یا گروه اجتماعی مقاومتی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود با پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آن‌ها بر حق است، مبارزه می‌کند. هر چقدر اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، به آن‌ها در راستای تحقق اهداف مقاومت بیشتر یاری برساند مقاومتی‌تر است. قاعدتاً در چنین فضایی هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. این را اقتصاد مقاومتی می‌گوییم، یعنی اقتصادی که این نوع مؤلفه‌ها را به خوبی می‌فهمد و جامعه را بر اساس آن مدیریت می‌کند. اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می‌توان گفت یک نوع مکمل اقتصادی آن است که به‌ضرورت زمان فعلی ما بازمی‌گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دوچندان است.

نکات ویژه در اقتصاد مقاومتی:

- ❖ منظور از اقتصاد واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل وابسته. چنانکه مقاومت در برابر موانع، پیشرفت تعریف می‌شود.
- ❖ اقتصاد مقاومتی باید الهام گرفته از نظام فرهنگی اسلامی و مبتنی بر فرهنگ

دینی باشد.

❖ توجه ویژه به توان و قدرت و استعداد و ظرفیت ملت در این موضوع ضروری است.

❖ اقتصاد مقاومتی نیازمند مقاومت مدبرانه است.

۵-۱ مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی و در پی آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که به‌طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. ریاضت اقتصادی به‌طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به‌کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست زنند. این طرح که به‌منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که به‌طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

۶. الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. بنابراین اگر اقتصادی اسلامی باشد، لزوماً قابلیت‌ها و ویژگی‌های یک اقتصاد مقاومتی را دربر خواهد داشت. بنابراین برای تحقق اقتصاد اسلامی و به تبع آن اقتصاد مقاومتی الزاماتی وجود دارد که در زیر نمونه‌ای از این الزامات بیان می‌شود.

۶-۱ اقتصاد علم است و باید علمی اداره شود

منظور، علم و شیوه‌های اجرایی بومی‌شده‌ای است که متناسب با ویژگی‌های اقتصاد

تبیین مفاهیم مقاومت، تاب‌آوری و... ۵۵

ملی باشد. چه عمل صالحی بهتر از عمل عالمانه است. اقتصاد یک کشور برنامه‌ریزی اقتصادی علمی لازم دارد و این نوع برنامه‌ریزی هم به اولویت‌بندی نیاز دارد. بنابراین اقتصاد یک کشور به مسئولین درستکار و امین، عالم و کارشناس متخصص نیاز دارد تا در قالب برنامه‌های کلان و ملی به تخصیص بهینه منابع در چارچوب قوانین و ضوابط نظام اسلامی برای تولید، توزیع و مصرف اقدام کنند.

۶-۲ حوزه عمل اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی باید در جای خود مورد

توجه قرار گیرد

علم به‌عنوان ابزار وظیفه‌ای دارد و مکتب حوزه عمل دیگری دارد که بر علم هم احاطه دارد. ارزش‌ها، آداب و رسوم و سنت‌ها در حوزه اقتصاد دستوری است. تمام نظام‌ها در حوزه قلمرو علم اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) یکسانند و تفاوتی ندارند. اقتصاد مقاومتی از این نظر که دارای روح ارزشی است و آن‌هم برگرفته از غایت‌مداری مکتبی است، فراتر از اقتصاد ریاضتی است. اما برخلاف آنچه که بعضا اصرار می‌شود، این دو مفهوم کاملاً متفاوت‌اند، اقتصاد ریاضتی بخشی از اقتصاد مقاومتی و لازمه آن است که منطق و علم اقتصاد به آن توصیه می‌کنند. مقاومت حاکی از یک شرایط سخت و غیر عادی است که یا به‌دلیل کمبودها و یا تصمیم برای توسعه ملی و پیشرفت یک جامعه است. در چنین شرایطی جامعه نمی‌تواند در مصرف و تخصیص منابع دست و دلبازانه عمل کند و لذا در این شرایط محدودیت اجتناب‌ناپذیر است.

۶-۳ بحران‌ها به حداقل ممکن تقلیل داده شوند

مقاومت و اقتصاد مقاومتی اغلب مربوط به شرایط غیر عادی و بحران می‌باشند. برای مقابله با یک بحران باید ابتدا تا جایی که ممکن است از بروز آن جلوگیری کرد و با پیش‌بینی از شدت آن کاست. اگر بحران و فشارهای آن به حداقل ممکن برسد مقاومت در برابر آن با کمترین هزینه صورت می‌گیرد. مسئله مقاومت و تصمیم برای مقاومت یک امر صرفاً اقتصادی نیست، ولی از یک‌طرف تبعات اقتصادی دارد و از طرفی هم اقتصاد هزینه‌های مقاومت را اندازه‌گیری می‌کند تا تصمیم‌گیران براساس اطلاعات درست و یک

تحلیل هزینه - فایده علمی اولا هزینه‌های تصمیم‌گیری را بدانند و ثانيا کم‌هزینه‌ترین راه ممکن برای مقاومت را برگزینند. از جمله بحران‌هایی که می‌بایستی با درایت بر آن فائق آمد عبارتند از: بحران کمبود منابع آبی در آینده، بحران حجم و شدت افزایش نقدینگی یا به عبارتی مدیریت منابع مالی کشور و بحران ناشی از فساد رو به افزایش سیستمی.

۴-۶ توجه به تولید ملی پایدار

تولید ملی به‌عنوان اساس و پایه مقاومت یک ملت است. ملتی می‌تواند در مقابل نامالیقات و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی مقاومت کند که بتواند نیازهای مصرفی خانوارها و مواد اولیه و واسطه‌ای تولید را برآورده کند. البته تولید ملی و اقتصاد خوب و کارآمد لزوماً به معنی خودکفایی کامل در تمام زمینه‌های اقتصادی نیست. چه‌بسا بسیاری از تولیدات غیر اقتصادی و فاقد مزیت‌های لازم باشند. اقتصادی کارآمد است که ضمن اقدام برای تولید نیازهای اولیه و اساسی و راهبردی جامعه با لحاظ جنبه‌های زیست‌محیطی، با بازاریابی‌های مناسب به تولید بیشتر کالاها و خدماتی برای صادرات اقدام نماید تا از محل درآمدهای آن بتواند کالاهایی را وارد نماید که در تولید آنها مزیت لازم را ندارد. هوشیاری و درایت در برنامه‌ریزی‌ها ایجاد می‌کند که خطوط تولید، به‌ویژه در محصولات که از خارج وارد می‌شوند، به‌گونه‌ای دیده شوند، که در شرایط لازم برای تولید نیازهای داخلی قابلیت تبدیل و باز تبدیل داشته باشند.

۵-۶ هم اقتصاد و هم مقاومت باید مردمی باشند

اقتصاد دولتی کارآمدی ندارد. اگرچه برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت دولتی بر اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است. مردم زمانی وارد عرصه اقتصاد سالم می‌شوند که شرایط لازم فراهم و الزامات آن رعایت شده باشد. در رفتارهای عرفی افراد بهینه کردن مصرف در جهت حداکثرسازی مطلوبیت و رفاه خویش را دنبال می‌کنند. در سمت تولید نیز فعالان اقتصادی برای افزایش تولید، کاهش هزینه‌ها و کسب سود بیشتر تلاش می‌کنند. اقتصاد ملی زمانی می‌تواند به توفیقاتی دست یابد که مورد قبول و حمایت آحاد جامعه قرار گرفته باشد. این اتفاق هم‌زمانی روی خواهد داد که مردم اقتصاد ملی را در جهت منافع و لاقفل

تبیین مفاهیم مقاومت، تاب‌آوری و... ۵۷

درجهت کاهش مشکلات خویش ارزیابی کنند. لازمه این دو حالت وضعیتی است که مردم در اقتصاد به‌طور مؤثر ایفای نقش کنند. این شرایط حداقل شرایط لازم درجهت ایجاد انگیزه برای مقاومت در برابر ناملایمات و سختی‌ها است. تعلق خاطر و احساس منافع در کنار ایمان قوی می‌تواند بزرگترین عامل مقاومت در برابر بحران‌ها و حمایت از اقتصاد ملی به‌عنوان ابزاری برای مقاومت ملی باشد. ثبات قوانین، حقوق مالکیت، وجود قوانین شفاف، اجرای عدالت در توزیع امکانات اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های مناسب و مشارکت مردم در اقتصاد را تقویت می‌کند. درستی راه سبب مقبولیت آن است و مقبولیت و ایمان به‌درستی راه هم لازمه مقاومت و پایداری در شداید و بحران‌ها است. به‌هرحال افراد وقتی منافع خود را از مسیر منافع ملی ببینند تک‌روی نمی‌کنند و یکپارچه برای اداره اقتصاد ملی همت می‌گمارند.

۶-۶ شناسایی، رصد و طبقه‌بندی کانون‌های آسیب‌پذیر

یکی از شاخص‌های طراحان عملیات گزینه تحریم، تصویب تحریم‌های هوشمند با تمرکز بر کانون‌های آسیب‌پذیر است. در این راستا تدوین نقشه ریسک تحریم‌های بالفعل، بالقوه و راهبردی براساس الگویی که در آن دفاع نظام براساس چهار مؤلفه نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها تعریف می‌شوند، نقش اساسی در حداقل رساندن آسیب تحریم‌ها اعمال می‌کند. یکی از روش‌های مدیریت تهدیدات احتمالی گزینه تحریم، تهیه نقشه جامع تحریم‌ها و تأثیرسنجی آن بر شاخص‌های امنیت ملی، اقتصادی و سیاسی است که در آن دامنه، عمق و جهت‌گیری تحریم‌ها مورد واکاوی قرار گیرند. به‌طور کلی اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد کشور بایستی در پی اقتصاد ایده‌آلی باشد که هم اسلامی باشد و هم در برابر سختی‌ها مقاوم باشد.

۷. نتیجه‌گیری

در اقتصاد مقاومتی رویکرد کشور و جامعه به‌سمت شناخت انواع تهدیدها و اهداف

تحریم‌ها و سپس ظرفیت‌یابی درونی و استفاده مناسب از فرصت‌های موجود ملی است تا امنیت ملی و اقتصاد کشور به‌گونه‌ای مناسب بتواند در مقابله با این تهدیدات مقاومت نماید. علمی کردن اقتصاد، مدیریت بحران‌ها، استفاده از ظرفیت مردمی اقتصاد، کوچک‌سازی دولت و توانمندی‌سازی بخش خصوصی، توجه به تولید پایدار با لحاظ جنبه‌های زیست محیطی و شناسایی کانون‌های آسیب‌پذیر در اقتصاد یک ضرورت جدی است که بایستی مورد توجه دقیق سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد. به عبارت دیگر می‌بایست منابع، ابتکارات و خلاقیت‌ها، نگاه‌ها و نگرش‌ها با الزامات اقتصاد مقاومتی هماهنگ گردد.

منابع:

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲.
پیغامی، عادل (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دفاعی، سایت رهبری.
ظریف، محمدجواد و سید محمدکاظم سجادیپور (۱۳۸۷). دیپلماسی چندجانبه: نظریه و عملکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، جلد دوم.
علیخانی، حسین (۱۳۸۰). تحریم ایران، شکست یک سیاست، ترجمه محمدتقی نژاد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران.
لایز جرج و دیوید کارت‌وایت (۱۹۹۷). عصر تحریم جایگزینی برای مداخله نظامی: نظریه‌های تحریم اقتصادی، ترجمه علی‌اکبر رضایی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
هوهنفلدان، آیگناتسزایدل (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران.
Balasa, B. (1990), Korea's Development Strategy, Korea Economic Development, Greenwood Press, Connecticut, PP. 1-17.
Baldwin, D. (1999), The Sanctions Debate and the Logic of Choice. International Security, PP. 80-107.
Carter Barry E. (1988). International Economic Sanction: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime. Cambridge: Cambridge University Press.
Crawford, N. C. (1999), How Sanctions Work: Lessons from South Africa,

تبیین مفاهیم مقاومت، تاب آوری و... ۵۹

London: MacMillan Press LTD.

Doxey, Margaret (1990). "International Sanctions", In World Politics: Power Interdependence and Dependence, Canada: Harcourt Brace, Jovanovich.

Druláková, R. (2010), International Sanctions as a Tool of Global Governance, Stockholm: Pan-European International Relations Conference.

Hufbauer Gary Clyde and Jeffrey Schott (2001). Using Sanctions to Fight Terrorism, Institute for International Economics.

Huntington, S. (1999). "The Lonely Superpower", Foreign Affairs, P. 78.

Lopez George A. and Cortright David (2000). The Sanctions Decade: Assessing UN Strategies in the 1990s. Boulder: Lynne Rienner.

Macmillan Dictionary (2013), Sanction, Retrieved 05, 02, from Macmillan Dictionary.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی